

بررسی میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی، عوامل مؤثر و پیامدهای آن در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارسان و سامان

حسین مظاهری^۱، شهرام فتحی^۲، جمشید ابراهیم پور^۳

^۱دکترای جامعه‌شناسی ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

^۲دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

^۳دانشجوی دکترای مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران

چکیده

سبک زندگی از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی معاصر به شمار می‌آید. چراکه نه فقط زیستن، بلکه چگونه زیستن نیز دارای اهمیت است. دین اسلام نیز هنجارها و ارزش‌های فراوانی در راستای چگونه زیستن مسلمانان به همراه دارد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان برخورداری از سبک زندگی اسلامی و عوامل تأثیرگذار بر این بهره‌مندی همچون جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، محل تحصیل، محل سکونت، میزان دین‌داری، سرمایه فرهنگی و همچنین پیامدهای آن شامل شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور انجام شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارسان و سامان به تعداد ۱۹۷۳ نفر و حجم نمونه انتخابی به تعداد ۳۲۱ نفر بوده است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه استاندارد شامل ۶ مقیاس استاندارد میزان دین‌داری، گلاک و استارک، سرمایه فرهنگی، بوردیو، سبک زندگی اسلامی، کاویانی، شادکامی، آکسفورد، سلامت اجتماعی، کبیز و رضایت از زندگی دینر بوده ضمن این‌که جهت تدوین مباحث نظری از کتب و مقالات فارسی و لاتین استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از بین عوامل مؤثر بر سبک زندگی اسلامی دانشجویان متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تحصیل، دین‌داری و سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی اسلامی دانشجویان تأثیر داشته و سبک زندگی اسلامی نیز بر شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی دانشجویان تأثیر مستقیم دارد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر ضروری است که برنامه ریزان فرهنگی نسبت به برنامه‌ریزی برای گسترش فرهنگ سبک زندگی اسلامی به‌ویژه در بین نسل جوان برنامه‌ریزی نمایند.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، ارزش‌های فرهنگی، سبک زندگی اسلامی، شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی.

۱- مقدمه

همان‌طوری که رانندگی در جاده نیاز به رعایت اصول و مقررات و وجود علائم و نشانه‌هایی دارد، شیوه زندگی هم نیاز به وجود برنامه، دیدگاه نظری و نحوه عملکرد دارد که تعیین این خط‌مشی زندگی همان «سبک زندگی»^۱ نام دارد (آرمند و رسولی نژاد، ۱۳۹۴). سبک زندگی یکی از مفاهیم علوم اجتماعی است که اگر چه در دهه های اول ظهور جامعه‌شناسی توسط صاحب نظرانی همچون «وبر»^۲، «زیمل»^۳ و «آدلر»^۴ به کار رفته است، اما اکنون در آغاز هزاره سوم به واسطه فردی شدن بسیاری از جنبه های زندگی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. سبک زندگی جنبه عینی زندگی انسانهاست که بر مبنای جنبه های ذهنی همچون ارزش ها و باورها شکل می گیرد و به مثابه ابزاری قابل مشاهده، فردیت هر عضو جامعه را باز نمایی می کند (اصمی اصطهباناتی و گروسی، ۱۳۹۳).

سبک زندگی از مفاهیم بسیار مهم علوم اجتماعی است که اغلب برای بیان روش زندگی مردم به کار می رود. این مفهوم منعکس کننده طیف کاملی از ارزش ها، عقاید و فعالیت های اجتماعی است. سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می گیرد که افراد به طور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می گیرند. سبک زندگی شامل فعالیت های معمول و روزانه است که شخص آنها را در زندگی خود به کار گرفته و روی سلامت او تأثیر دارد. در واقع سبک های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می کنند. سبک های زندگی کمک می کنند تا آنچه را مردم انجام می دهند و چرایی آن و معنایی که برای آنها و دیگران دارند را درک کنیم (چانی، ۱۹۹۹)؛ به عبارت دیگر اصطلاح شیوه زندگی به روش زندگی مردم اشاره داشته و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها می باشد. همچنین ترکیبی از الگو های رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است (استاجی و همکاران، ۱۳۸۶).

در علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم پزشکی که به مطالعه سبک زندگی می پردازند، بیش از آنکه به شناخت ها و عواطف فرد به صورت سازه های ذهنی نظر داشته باشند، رفتارهای فرد را به صورت عینی و مشهود مورد مطالعه قرار می دهند، ولی «سبک زندگی اسلامی»^۵ قدری متفاوت است؛ از آن جهت که سبک است، به رفتار می پردازد و با شناخت ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد و از آن جهت که اسلامی است نمی تواند بی توجه به نیت ها باشد (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰). مساله توجه به سبک زندگی از موضوعاتی است که مقام معظم رهبری طی سالیان اخیر آن را مطرح و بر ضرورت توجه به آن تاکید نموده اند. ایشان در سال ۱۳۹۱ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی به این موضوع پرداختند و آن را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای پرداختن به این مفهوم مهم، بر آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جوئی در این زمینه تاکید نمودند: «پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می‌دهد، وسیله ای است برای دست یابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی». از آن زمان تا کنون موضوع سبک زندگی و به‌ویژه سبک زندگی اسلامی مورد توجه پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه قرار گرفت و تا کنون تحقیقات زیادی پیرامون این موضوع انجام شده و همایش های مختلفی نیز در این زمینه برگزار شده است که از آن جمله می توان به اولین همایش ملی سبک زندگی اسلامی (۱۳۹۱)، همایش خانواده و سبک زندگی در فرهنگ رضوی (۱۳۹۴)، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت (۱۳۹۴) و همایش ملی سبک و فرهنگ زندگی اسلامی در دنیای معاصر (۱۳۹۴) اشاره نمود.

در زمینه تحقیقات انجام شده پیرامون رابطه سبک زندگی اسلامی و هر یک از متغیرهای تحقیق می توان به پژوهش های انجام شده توسط کجباف و همکاران (۱۳۹۰)، صالحی و بیاتی (۱۳۹۴) و ترابی زیارتگاهی و ترابی زیارتگاهی (۱۳۹۵) اشاره

1 - life style

2 - Weber

3 - Simmel

4 - Adler

5 - Islamic life style

نمود که در تحقیق خود دریافتند که بین سبک زندگی اسلامی با متغیرهای «شادکامی»^۶، «سلامت اجتماعی»^۷ و «رضایت از زندگی»^۸ رابطه همبستگی مثبت و مستقیمی وجود دارد. همچنین حسن زاده بامچی و علیزاده اقدم (۱۳۹۳) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود دریافتند که بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی اسلامی رابطه مثبتی وجود دارد. طغیانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود با عنوان رابطه سبک زندگی اسلامی با «نگرش های ناکارآمد»^۹ در دانشجویان، رابطه سبک زندگی اسلامی و نگرش های ناکارآمد دانشجویان دانشگاه اصفهان را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که بین این دو متغیر رابطه منفی وجود دارد. عربی و سلیمان پور عمران (۱۳۹۶) در تحقیق خود دریافتند که از بین ابعاد دهگانه سبک زندگی اسلامی کاویانی (۱۳۸۸)، سه بعد مالی، سلامت و زمان شناسی بر میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد تأثیری ندارد ولی هفت بعد دیگر یعنی ابعاد امنیتی، اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاقی، خانوادگی، تفکر و علم و همچنین متغیر سبک زندگی اسلامی در صورت رشد و بهبود، توانائی بالا بردن سطح «سرمایه اجتماعی»^{۱۰} دانشجویان را دارد. در تحقیق دیگری که عرب زاده و همکاران (۱۳۹۶) در بین ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی انجام دادند، نتایج نشان داد که سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی با رضایت از زندگی دانشجویان رابطه مثبت دارد و رضایت از زندگی دانشجویان از طریق ترکیب خطی مولفه های سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی قابل تبیین می باشد.

پیرامون اهمیت موضوع باید گفت از جمله اقشاری که لازم است پیرامون موضوع سبک زندگی اسلامی در میان آنها تحقیق صورت پذیرد قشر دانشجو می باشد. جوانان دانشجو، آینده سازان جامعه اند و تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمن نیز این گروه را هدف گرفته است. لذا توجه جدی تر به نحوه زندگی آنان (سبک زندگی) شامل رفتارها، ترجیحات و نگرش ها و انگیزه های رفتار، یک ضرورت و نیاز انکارناپذیر است (اصمی اصطهباناتی و گروسی، ۱۳۹۳). از این رو در تحقیق حاضر که در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارسان و سامان انجام شده است، ضمن بررسی وضعیت آنها از لحاظ میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی و رعایت ابعاد آن، به عوامل تأثیرگذار بر برخورداری از این نوع سبک زندگی پرداخته شده و پیامدهای رعایت سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن در میان آنان بررسی شده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱ - سبک زندگی

سبک زندگی یکی از مؤلفه های کلیدی مفاهیم علوم اجتماعی نوین به شمار آمده و در بررسی های اجتماعی و فرهنگی معاصر به تدریج جایگاه خاصی یافته است. امروزه مفهوم سبک زندگی در زبان انگلیسی در معانی گوناگونی مانند نوع، روش، سبک اثاثیه، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار، تطابق با معیار شناخته شده، شیوه ای که برآورنده و مناسب پنداشته می شود، خصوصا در رفتار اجتماعی؛ زیبایی، ظرافت یا سهولت و شیوه یا تکنیک به کار می رود (وبستر، ۲۰۰۴). همچنین این مفهوم با معانی نحوه عرضه، خصوصا در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا، ترکیب طرح های مشخص ادبی یا فرضیه های هنری (وبستر، ۱۹۹۶)، شیوه ای که در آن چیزی گفته یا انجام می شود، مثل سبک سخنرانی یا نوشتن (آمریکن هریتیج، ۲۰۰۰)، طریقه نوشتار و یا گفتار که در مقابل محتوا قرار دارد، طریقه انجام چیزی به خصوص زمانی که ویژگی یک هنرمند یا دوره هنری باشد به کار می رود (آکسفورد، ۱۹۸۷). علاوه بر آن، مفهوم سبک زندگی به معنی شیوه و روش انجام چیزی خصوصا شیوه ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره ای نوعی باشد. اجزا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح خاصی باشد (وبستر، ۱۹۹۶). طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است (وبستر، ۲۰۰۴) و شیوه انجام

6 -Happiness

7 - Social health

8 - Satisfaction with life

9 - Ineffective attitudes

10 - Social capital

چیزی خصوصاً راهی که نشان دهنده تاکید بر طرز نگرش خاص یا مشخصه دوره معینی باشد، به کار گرفته شده است (ام ان انکارتا، ۲۰۰۴).

آلفرد آدلر از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی هدف فرد، «خودپنداره»^{۱۱}، احساس‌های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (فیست و فیست، ۱۳۹۴). «لیزر»^{۱۲} (۱۹۶۳) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و به شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (خوشنویس، ۱۳۸۹). «یاسر من»^{۱۳} (۱۹۸۳) سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که در بردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷)؛ سبک زندگی به مثابه مجموعه منسجمی از انتخاب‌ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف‌گرایانه است (خوشنویس، ۱۳۸۹).

از دیدگاه «سویل»^{۱۴}، سبک زندگی عبارت است از هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن (چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱). «سولومون»^{۱۵} اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کند (رسولی، ۱۳۸۲). به نظر «آرتور آسابرگر»^{۱۶} برای تعریف اصطلاح سبک زندگی با واژه فراگیری روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است (رسولی، ۱۳۸۲).

برداشت «گیدنز»^{۱۷} از مقوله سبک زندگی عبارت است از: «تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش‌های آن‌ها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود» (خوشنویس، ۱۳۸۹). «سازمان بهداشت جهانی»^{۱۸} سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است» (فیضی، ۱۳۹۲).

محمد فاضلی در کتاب «مصرف و سبک زندگی»^{۱۹}، معنای این واژه را عبارت می‌داند از طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲). نویسنده کتاب «دین و سبک زندگی»^{۲۰} می‌نویسد: سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند یا به اختصار، «سبک زندگی، الگو

11 - Self-concept

12 - laser

13 - Yasrmm

14 - Sobel

15 - Solomon

16 - Arthur Asaberger

17- Giddens

18 - World Health Organization

19 - Consumption and lifestyle

20 - Religion and lifestyle

یا مجموعه نظام مند کنش‌های مرجح است» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). در تعریفی دیگر چنین آمده است: سبک زندگی، عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی، خود را نشان می‌دهد (شوشتری زاده، ۱۳۸۲). برخی نیز سبک زندگی را با «هویت»^{۲۱} پیوند می‌زنند: سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد. این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین بیان می‌کند: مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است (شریفی، ۱۳۹۱). مؤلف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»^{۲۲}، سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌نماید: شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند (کاوایی، ۱۳۹۱).

۲-۲- دین‌داری

دین و دین‌داری به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی هر جامعه، باعث می‌شوند که افراد متأثر آن بتوانند نگرش‌ها، رفتارها و در نهایت سبک زندگی خود را از دیگران متمایز سازند. نهاد دین و عناصر مذهبی و آثاری که فرد در فکر و جان و اعمال فردی و اجتماعی افراد بر جای می‌گذارند، برای شکل‌گیری برخی سبک‌های زندگی، عرصه وسیع‌تری مهیا کرده و برخی سبک‌های زندگی را نفی می‌کنند و یا از گسترش آن جلوگیری به عمل می‌آورند. در خصوص تأثیر دین بر سبک زندگی، تکیه نظری تحقیق بر نظریه پی‌یر بوردیو قرار دارد. این نظریه از رویکردهای مطرح در زمینه سبک زندگی می‌باشد. رویکرد بوردیو به سبک زندگی برگرفته از فلسفه دیالکتیکی وی بوده و روش نهادی شدن این فلسفه نیز مفهوم عادت‌واره است، مفهومی که در واقع روح دینی در جامعه بوده و در ذهن افراد جامعه درونی شده و قابل انتقال می‌باشد. بوردیو سبک زندگی را محصول نظام مند عادت‌واره می‌داند که از خلال رابطه‌اش با آن درک می‌شود و به صورت نظامی از نشانه‌ها در می‌آید که بیشتر جنبه عینی داشته، به گونه‌ای نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان اقشار مختلف تمایز ایجاد می‌کند. بوردیو دین را به عنوان میدانی نسبتاً خود مختار در درون میدان قدرت در نظر می‌گیرد و بر سیالیت و پویایی ساختار و محتوای این میدان تأکید می‌کند. میدان دینی ترکیبی از دو طبقه تولیدکنندگان یا متخصصان دینی (که وظیفه تولید، عرضه و باز تولید کالاها و پیام‌های دینی را به عهده دارند) و افراد عادی مصرف‌کننده و تقاضاکننده کالاهای دینی (که عمل دینی توسط آنها صورت می‌گیرد) می‌باشد. از نظر بوردیو عمل دینی یا دین‌داری، از رابطه دیالکتیکی میان میدان و منش دینی به دست می‌آید و سبک زندگی از تعیین معرفت دینی و شکل‌گیری انواع دیندار (کاوایی، ۱۳۹۱).

در جامعه ایران، دین از دیرباز از عناصر اساسی جامعه به شمار رفته و همواره نوعی عامل پایدار در کنش و رفتار اجتماعی می‌باشد. از این رو فضای اجتماعی جامعه ایرانی، فضایی دینی است که به تشکیل سرمایه دینی افراد تأثیر زیادی دارد. لذا اگر افراد و گروه‌ها، موقعیت‌های متمایزی در فضای اجتماعی دارند، برگرفته از سرمایه‌های گوناگون است و در نتیجه، با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (منش)، در نظام طبقه‌بندی اجتماعی جایگاه مشخصی کسب می‌کنند. افراد مختلف با تملک سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای دین‌داری)، دارای ترجیحات و ذائقه‌های متفاوت و تا حدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن، مصرف رسانه و ... می‌شوند و در نهایت سبک‌های زندگی آنان تحت نفوذ دین، شکل سنتی یا مدرن (و یا ترکیبی از این دو سبک) پیدا می‌کند. لذا با توجه به این نظریه این فرضیه استنباط می‌گردد که بین میزان دین‌داری دانشجویان و بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی آنان رابطه وجود دارد.

21 - Identity

22 - Islamic lifestyle and its measurement tools

۲-۳- سرمایه فرهنگی

«بورديو^{۲۳}» «سرمایه فرهنگی^{۲۴}» را در ارتباط با سبک زندگی می‌داند، چراکه توزیع نوع و میزان سرمایه تعیین‌کننده موقعیت فرد در نظام اجتماعی است. از نظر بورديو سرمایه فرهنگی، به دانش و مهارت‌هایی اشاره دارد که عاملان اجتماعی از طریق آموزش و زمینه‌های فرهنگی به آن دست می‌یابند. سرمایه فرهنگی غالباً مربوط به منزلت و محتوای منابعی نظیر هنر بلاغت، هنر مجاب کردن، متقاعد کردن دیگران، ترجیحات زیبایی‌شناختی و مفهوم فرهنگی است. سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل باشد:

الف - «سرمایه متجسد^{۲۵}» یعنی شکل خصایص دیرپای فکری و جسمی، به عبارتی معلومات کسب شده‌ای است به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیسم که حالت درونی شده به خود می‌گیرد و به توانائی‌های بالقوه فرد گفته می‌شود.

ب - «سرمایه عینیت یافته^{۲۶}»: یکی از بدیهی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی است که به شکل اشیای مادی، رسانه‌ها، نقاشی، کتاب، اسناد و ابزارها وجود دارد. این سرمایه به «سرمایه اقتصادی^{۲۷}» نیز می‌تواند تبدیل شود.

ج - «سرمایه نهادینه شده^{۲۸}»: عینیت‌یابی سرمایه فرهنگی به شکل مدارک و مدارج آموزشی و حرفه‌ای تحصیلات می‌باشد؛ بنابراین سرمایه فرهنگی از نظر بورديو در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن فرد انباشته می‌شود. کالاهای، مهارت‌ها و انواع دانش مشروع، از سرمایه فرهنگی هستند؛ به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی بورديو، ترکیبی از شناخت‌ها، آگاهی‌ها، آموزش‌ها و مدارک تحصیلی و ... می‌باشد (اسماعیلی، ۱۳۹۱).

بورديو بر نقش عوامل فرهنگی و محیطی که فرد را احاطه کرده و در رشد شخصیت و تکوین هویت فردی - جمعی اثر گذارند تأکید دارد. وی از اشکال منتخبی از مصرف‌گرایی سخن می‌گوید که سبک زندگی افراد را مشخص می‌کند و متضمن انتخاب انواع خاصی از غذا، پوشاک، مسکن، اشکال مختلف تفریح یا فراغت و انواع دیگری از رفتار منزلت‌جویانه است که در عین حال توسط موقعیت اجتماعی افراد و امکان و میزان دسترسی آنان به منابع اقتصادی و فرهنگی مشروط می‌شود. سبک زندگی همان بخش از زندگی است که عملاً تحقق می‌یابد. به اعتقاد این نظریه پرداز، شرط تحقق سبک زندگی انتخاب است. افراد یا گروه‌ها با انتخاب هایشان خود را از دیگران متمایز می‌کنند. بدین ترتیب در جامعه امروز افراد به واسطه انواع انتخاب‌هایی که پیش رو دارند، فعالیت‌های نظام‌مندی را در قالب سبک زندگی در پیش می‌گیرند تا تصویری هویت‌بخش و پر منزلت از خویش فراهم سازند و خود را نیز از دیگران متمایز نمایند. البته انتخاب شیوه زندگی برای همه افراد مشروط به شانس‌ها و فرصت‌هایی است که نصیبشان می‌شود. استقرار در موقعیت‌های مختلف و دست‌یابی به سرمایه فرهنگی بالاتر می‌تواند بر نوع سبک زندگی فرد تأثیرگذارد، به طوری که فرد سبک زندگی خاصی را در پیش گیرد یعنی هرچه سرمایه فرهنگی افراد افزایش یابد امکان گرایش به سبک زندگی‌های مختلف افزایش می‌یابد (اسماعیلی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین می‌توان فرضیه دیگری را استنباط نمود که بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی اسلامی دانشجویان رابطه وجود دارد.

۲-۴- شادکامی

شادکامی از مولفه‌های اصلی زندگی بشر به شمار می‌آورد و دست‌یابی به آرامش و نشاط یکی از دغدغه‌های افراد انسانی بوده و هست. از طرف دیگر کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم گسترده و جامع، مجموعه‌ای از ابعاد درونی و بیرونی محسوب می‌شود که یکی از مهمترین ابعاد درونی آن، احساس رضایت‌مندی از زندگی و شادکامی است. از طرف دیگر بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، هیجانات به دو بخش خوشایند و ناخوشایند تقسیم می‌شوند که شادکامی به عنوان یک هیجان اولیه،

23 - Bourdieu

24 - Cultural capital

25 - Embodied capital

26 - Objectified capital

27 - Economic capital

28 - Institutionalized capital

اساسی و خوشایند مطرح است و از این رو مورد توجه اندیشمندان واقع شده است. به لحاظ نظری نیز در خصوص تبیین پدیده های شادکامی، اندیشمندانی در قالب رویکردهای متعدد به ارائه تحلیل در این زمینه پرداخته اند به طوری که هر کدام از آن رویکردها از زاویه ای خاص به این مقوله نگریسته اند. از جمله رویکردها در زمینه تبیین شادکامی، رویکردهای فرهنگی است. در این رویکردها اعتقاد بر این است که هیجانات و به تبع آن شادکامی، اغلب در بافت های فرهنگی خاص درونی واقع می شوند و بنابراین در هر فرهنگی به صورت متفاوت مورد بررسی قرار می گیرند و آنچه که در رویکردهای فرهنگی در زمینه تفاوت های فرهنگی بر آن اشاره می شود، مصادیق فرهنگی است (شریفی، ۱۳۹۱).

پیرامون رابطه سبک زندگی و شادکامی می توان گفت، سبک زندگی از پیامدهای قشربندی اجتماعی است و قشر بندی اجتماعی هم موجب می شود که افراد، فرصت های نابرابری در زندگی به دست آورند که به اعتقاد بورديو این فرصت های نابرابر موجب پیدایش میدان های متفاوتی می شوند و میدان و فضا نیز ساخت اجتماعی را ایجاد می کنند؛ از طرف دیگر اندیشمندانی چون «هالر»^{۲۹}، «هادلر»^{۳۰}، «بلاو»^{۳۱} و «هومنز»^{۳۲} نیز معتقدند که بروز و ظهور هیجان ها از ساخت جامعه تأثیر می پذیرد و «هاکشیلد»^{۳۳} نیز معتقد است که هنجارهای فرهنگی سبب به وجود آمدن احساسات در قالب ساخت مندی اجتماعی و نیز سبب ایجاد سبک های زندگی متفاوت می شوند و از طرفی مطابق با «نظریه کنترل احساس»^{۳۴} و «نظریه کنترل هویت»^{۳۵} هیجان بر اساس یک فرایند کنترل به دست می آید که از طریق آن بازیگران یا به عبارت دیگر، فعالان یا عاملان اجتماعی می کوشند تا معانی فرهنگی را در طی تبادلات خود حفظ نمایند و به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که ساختار اجتماعی موجب پیدایش هیجان می شود که یکی از این هیجان ها شادکامی است (شریفی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین این فرضیه قابل استنباط است که بین سبک زندگی اسلامی به عنوان یکی از سبک های زندگی و شادکامی به عنوان یک عامل درونی شده در بافت فرهنگی رابطه وجود دارد.

۲-۵- سلامت اجتماعی

بر اساس «نظریه کنش وبر»^{۳۶}، دنیای اجتماعی را باید از زاویه افکار مردم به خصوص هنجارها و ارزش ها مشاهده نمود. بر مبنای این ایده تأثیرات باورها و عقاید دینی افراد بر حوزه ای از دنیای اجتماعی، یعنی سبک زندگی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس مدل وی، تعاملات و منابع، کنش یا به تعبیری انتخاب های فرد یا جمع را پدید می آورد که به الگوی حاصل از آن سبک زندگی می گوئیم. به عبارتی تعاملات فرد یا جمع، جهت کنش را تعیین و منبع در دسترس بستر بروز کنش را فراهم می کنند. مبتنی بر این رویکرد، وبر سعی می کند خصوصیات رفتاری و شرایط بومی هر مردمی را با توجه به آموزه های دینی ایشان تبیین نماید. وی این تانایی بالقوه را دین می بیند که بتواند بر رفتار مردم و به شیوه تفکر ایشان اثر بگذارد. این نظریه وبر، بررسی تأثیر دین داری (التزام به باورها و عقاید دینی و به موجب آن اعمال دینی) بر سبک زندگی (اعمال و کنش های روزمره افراد) را معنادار و ممکن می سازد. بر اساس نظریه وبر می توان گفت؛ سبک زندگی اسلامی در سبک زندگی مطلوب و آن نیز در سبک زندگی انسانی و الهی تجلی می یابد. این نوع از سبک زندگی، مبتنی بر معنا و فلسفه زندگی اسلامی است نه معنا و فلسفه زندگی مادی. این در حالی است که سبک زندگی در اصطلاح کنونی غرب، به هنرهای تزئینی همچون سبک دادن به دکوراسیون، فرش کردن خانه، مدگرایی و مواردی از این قبیل، تنزل یافته و امروزه مفهوم سبک زندگی تداعی گر تقلید از رهاوردهای صنعتی و سبک های ارائه شده از زندگی مصرفی و انطباق خود با تیپ های شخصیتی یا گروه های

29 - Haller

30 - Hadler

31 - Blauw

32 - Homans

33 - Hochschild

34 - Emotion control theory

35 - Identity control theory

36 - Weber's action theory

فرهنگی خاص است. در رویکرد مادی موسیقی، تلوزیون و آگهی‌های بازرگانی تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی ارائه داده که این تصویرها پیروی از سبک‌های خاصی برای زندگی را القا می‌کنند تا مردم برای نیل به آنها هر ابزاری را که لازم است فراهم نمایند. یکی از کارکردهای سبک زندگی دینی، ایجاد جامعه‌ای توأم با سلامت اجتماعی است. از آنجا که دین به عنوان ارزشی متعالی باعث به وجود آمدن و شکل‌گیری برخی روحیات و عملکردهایی در زندگی اجتماعی افراد می‌شود، پس شاید مهمترین تبعات جدی سبک زندگی دینی در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد آن جامعه است. این سبک زندگی جامعه را متعهد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند. دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان نسبت به هموعان و افراد اجتماع، افشاندن بذل و صفا، اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر موجب می‌شود که زمینه همبستگی اجتماعی و روابط سالم بین افراد خانواده و نهایتاً کل جامعه برقرار شود و منجر به تحکیم روابط اجتماعی انسان‌ها گردد. در بررسی کارکردهای اجتماعی دین مشخص شده است که دین هم در حیات اخروی و هم در حیات انسان‌ها نقش عمده‌ای دارد و کارکرد اصلی آن در چند محور اصلی انسجام بخشی، معنا دادن به زندگی انسان‌ها و اهتمام افراد برای اصلاح و سلامت جامعه است (نوری و نوری، ۱۳۹۵)؛ بنابراین بر اساس مطالب فوق این فرضیه قابل استنباط است که بین سبک زندگی اسلامی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.

۲-۶- رضایت از زندگی

رضایت از زندگی از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند با سبک زندگی در ارتباط باشد. رضایت مندی، بستر موفقیت و کامیابی است. هیچ انسان موفق نیست که از رضایت از زندگی برخوردار نباشد. انسان‌های موفق کسانی هستند که با زندگی خود مشکلی ندارند؛ نه اینکه در زندگی خود مشکلی ندارند. اغلب انسان‌های موفق با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند، اما احساس نارضایتی از زندگی ندارند. رضایت از زندگی بستر موفقیت‌ها است و بدون آن رسیدن به خوشبختی محال است. رضایت از زندگی عبارت است از ارزیابی مثبت شناختی عاطفی از زندگی خود. این ارزیابی‌ها از واکنش‌های احساسی به وقایع، به علاوه قضاوت‌های شناختی از رضایت و برآورده شدن خواسته‌ها تشکیل شده است. رضایت از زندگی نشانگر آن است که فرد چگونه زندگی خود را در کل ارزیابی می‌کند و بر ارزیابی دامنه‌داری که فرد از زندگی خود به عمل می‌آورد متمرکز است. در حقیقت رضایت از زندگی این مسائل را منعکس می‌کند که تا چه اندازه نیازهای اساسی برآورده شده‌اند و تا چه اندازه دسترسی به دیگر اهداف ممکن است. در حالی که برای افرادی که در وضعیت کمتر پیشرفته‌ای زندگی می‌کنند، ارضای نیازهای اساسی بیشتر محل توجه قرار می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌ها جوانی، سلامت، تحصیلات خوب، توانایی مالی، برون‌گرایی، خوش‌بینی، فقدان تنش و نگرانی، مذهب، تأهل، عزت نفس و آرزوهای معتدل از عوامل رضایت از زندگی به شمار می‌آیند (شریفی رنایی، ۱۳۹۶). لذا با توجه به این‌که سبک زندگی اسلامی می‌تواند دارای برخی از این ابعاد یا همه آنها باشد می‌توان گفت که بین سبک زندگی اسلامی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

تحقیق حاضر به بررسی فرضیه‌های زیر در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارس و سامان پرداخته است:
فرضیه شماره ۱: میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب هر یک از متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تحصیل و محل سکونت دانشجویان تفاوت معناداری دارد.

فرضیه شماره ۲: میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب متغیر سطح تحصیلات دانشجویان تفاوت معناداری دارد.
فرضیه شماره ۳: بین هر یک از متغیرهای سن، دین‌داری و سرمایه فرهنگی با بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه شماره ۴: بین بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی و هر یک از متغیرهای شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

۴-۱- نوع و روش تحقیق: پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی همبستگی می‌باشد که به روش پیمایشی انجام شده است. همچنین تحقیق حاضر از لحاظ معیار زمان مقطعی، از لحاظ وسعت پهنانگر و از نظر ماهیت کاربردی است.

۴-۲- جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق: جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارس و سامان به تعداد ۱۹۷۳ نفر بوده و حجم نمونه انتخابی با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر برآورد شده که تعداد و درصد نمونه‌ها بر حسب جنسیت در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

۴-۳- روش نمونه‌گیری: روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. بدین معنا که پس از تعیین حجم نمونه، پاسخگویان به دو گروه دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارس و سامان گروه‌بندی شده و به شیوه نامتناسب با حجم به هر مرکز تعدادی نمونه جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه اختصاص داده شد و در نهایت نمونه‌ها جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه به شیوه تصادفی انتخاب شدند.

۴-۴- ابزار تحقیق: ابزار مورد استفاده در تحقیق پرسشنامه استاندارد شامل دو قسمت مشخصات فردی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، محل تحصیل و محل سکونت و شش مقیاس استاندارد دین‌داری، سرمایه فرهنگی، سبک زندگی اسلامی، شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی بوده است که جهت سنجش متغیر دین‌داری از مقیاس میزان دین‌داری گلاک و استارک (۱۹۶۵)، برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی از مقیاس سرمایه فرهنگی بوردیو (۱۹۸۶)، جهت سنجش متغیر سبک زندگی اسلامی از مقیاس سبک زندگی اسلامی کلویانی (۱۳۸۸)، برای سنجش متغیر شادکامی از مقیاس شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹)، جهت سنجش متغیر سلامت اجتماعی از مقیاس سلامت اجتماعی کییز (۲۰۰۴) و برای سنجش متغیر رضایت از زندگی از مقیاس رضایت از زندگی دینر (۱۹۸۵) استفاده شده است.

۵- روایی و پایایی ابزار تحقیق

۵-۱- پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک: میزان اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتبار آن در ابعاد مختلف می‌باشد. این آزمون همچنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است. همچنین مقدار آلفا برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد.

۵-۲- پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو: در تحقیقاتی که قبلاً انجام شده روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید، خوب ارزیابی و تایید شده است و بنابراین می‌توان گفت روائی آن از نوع روایی صوری است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمد. بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه طراحی شده برای انجام این پژوهش از قابلیت اعتماد کافی برخوردار می‌باشد.

۵-۳- پرسشنامه سبک زندگی اسلامی: در مورد روایی این پرسشنامه باید گفت که در تحقیقات قبلی نتایج تحلیل عوامل روایی و ساختار عاملی مناسبی را برای آن نشان داده است. روایی همزمان آن با آزمون جهت‌گیری مذهبی، ۰/۶۴ به دست آمده است. همچنین ضریب پایایی کل این آزمون ۰/۷۱ است و پایایی این آزمون برای زیرمقیاس‌های آن عبارتند از شاخص اجتماعی ۰/۴۱، باورها، ۰/۴۶، عبادی ۰/۳۰، اخلاق ۰/۶۴، مالی ۰/۳۲، خانواده ۰/۴۰، سلامت ۰/۴۲، تفکر و علم ۰/۵۱، امنیت - دفاعی ۰/۳۰ و زمان‌شناسی ۰/۳۰.

۵-۴- پرسشنامه شادکامی آکسفورد: در مورد روایی این پرسشنامه باید گفت در خارج از کشور آرجیل و همکاران (۱۹۸۹) اعتبار همزمان این مقیاس را با استفاده از قضاوت دوستان، به میزان ۰/۴۳ و با روش اعتبار سازه از طریق همبسته نمودن آن با آزمون عاطفه‌ی مثبت، خشنودی و عاطفه‌ی منفی به ترتیب به میزان ۵۷/۳۲ و ۰/۵۲- به دست آورده‌اند و در

ایران هم خوش کنش و همکاران (۱۳۸۶) اعتبار این پرسشنامه را از طریق همبسته نمودن آن با نمره های عزت نفس و خوش بینی دانشجویان، به میزان ۰/۶۴ و ۰/۵۱ گزارش نموده اند. همچنین در خارج از کشور توسط آرجیل و همکاران (۱۹۸۹) پایایی مقیاس شادکامی آکسفورد با روش باز آزمایی پس از ۷ هفته، به میزان ۰/۷۸ گزارش شده است و در ایران خوش کنش و همکاران (۱۳۸۶) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرو نباخ به میزان ۰/۹۲ بدست آورده اند.

۵-۵ - پرسشنامه سلامت اجتماعی کبیز: باباپور و همکاران (۱۳۸۸) برای بررسی روایی این ابزار از همسانی درونی استفاده نمودند و پایایی پرسشنامه در پژوهش باباپور با استفاده از آلفای کرو نباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ می باشد.

۵-۶ - پرسشنامه رضایت از زندگی دینر: اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی در مطالعات متعدد بررسی شده است. دینر و همکاران (۱۹۸۵) در نمونه ای متشکل از ۱۷۶ دانشجوی دوره کارشناسی، این مقیاس را ارزش یابی کردند. میانگین و انحراف استاندارد نمره های دانشجویان به ترتیب ۲۳/۵ و ۶/۴۳ و ضریب همبستگی بازآزمایی نمره ها پس از دو ماه اجرا ۰/۸۲ و ضریب آلفای کرو نباخ ۰/۸۷ بود. «لوئیس و شیوین^{۳۷}» (۱۹۹۹) در یک بررسی تحت عنوان اعتبار و ساختار عاملی مقیاس رضایت از زندگی در بین دانشجویان به این نتیجه رسیدند که نسخه مذکور از اعتبار مناسبی برخوردار است. «آریندل و همکاران^{۳۸}» (۱۹۹۹) با اجرای این آزمون در ۱۷۰ نفر از بزرگسالان هلندی اعتبار آن را مناسب دانسته اند. در مورد پایایی آزمون ضریب آلفا برابر ۰/۸۷ و ضریب بازآزمایی پس از دو ماه برابر ۰/۸۲ گزارش شده است. در ایران بر اساس پژوهش مظفری ضریب آلفای کرو نباخ برای این آزمون برابر ۰/۸۵ و پایایی بازآزمایی با فاصله ۶ هفته برابر ۰/۸۴ بوده است. برای تعیین همگرایی آزمون از همبستگی آزمون با مقیاس «پاناس^{۳۹}» استفاده شده است که ضریب همبستگی مقیاس رضایت از زندگی با عاطفه مثبت برابر ۰/۲۷ (p<0/01) و با عاطفه منفی برابر ۰/۲۷ (p<0/1) را نتیجه داده است.

۶- روش تحلیل داده ها

برای تحلیل داده از نرم افزار spss ورژن ۲۰ استفاده شد. ابتدا با استفاده از شاخص های آمار توصیفی مانند «میانگین^{۴۰}»، «انحراف معیار^{۴۱}»، «چولگی^{۴۲}» و «کشیدگی^{۴۳}» متغیرهای مطالعه توصیف شد. با توجه به این که نتایج چولگی و کشیدگی نشان داد که داده ها دارای توزیع نرمال هستند لذا برای بررسی اختلاف میانگین نمره سبک زندگی اسلامی بین متغیرهای دموگرافیک از آزمون های «تی تست^{۴۴}» و «آنالیز واریانس^{۴۵}» جهت تعیین همبستگی بین سبک زندگی اسلامی و متغیرهای شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی از «ضریب همبستگی پیرسون» استفاده شد.

37 - Lewis & Average Sheiven

38 - Arrindel & et. al

39 - Panans

40 - Average

41 - Standard deviation

42 - Skewness

43 - Kurtosis

44 - T- test

45 - F - test

۷ - یافته های تحقیق

۱-۷ - یافته های توصیفی

۱-۷-۱ - متغیرهای دموگرافیک

در جدول شماره ۱ مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان نشان داده شده است. بیشتر مشارکت کنندگان زن و مجرد بودند. میانگین سن آنان ۲۳/۱ سال بود. کم سترین آنها ۱۸ و مسترین آنها نیز ۳۸ ساله بود. در خصوص سطح تحصیلات پاسخگویان اکثریت لیسانس بودند (۷۷/۴ درصد). اکثریت دانشجویان در دانشگاه پیام نور مرکز فارسان تحصیل می کردند (۷۶/۳ درصد). در نهایت در خصوص متغیر محل سکونت بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که در شهر سکونت دارند (۶۲/۳).

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای دموگرافیک

ردیف	متغیر	گروه ها	تعداد	درصد
۱	جنسیت	مرد	۹۲	۲۸/۷
		زن	۲۲۹	۷۱/۳
۲	سن	کم سترین	۱۸ سال	۰
		مسترین	۳۸ سال	۰
		میانگین سنی	۲۳/۱ سال	۰
۳	وضعیت تأهل	مجرد	۱۹۱	۵۹/۵۰
		متاهل	۱۱۷	۳۶/۴۵
		نامشخص	۱۳	۴/۰۵
۴	سطح تحصیلات	کاردانی	۳۹	۱۲/۱۵
		کارشناسی	۲۳۳	۷۲/۵۸
		کارشناسی ارشد	۲۹	۹/۰۳
		نامشخص	۲۰	۶/۲۴
۵	محل تحصیل	فارسان	۲۴۵	۷۶/۳
		سامان	۷۶	۲۳/۷
۶	محل سکونت	شهر	۱۸۲	۵۶/۷۰
		روستا	۱۱۰	۳۴/۲۷
		نامشخص	۲۹	۹/۰۳

۱-۷-۲ - شاخص های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق:

شاخص های آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای توصیف متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۲ ارائه شده است. شاخص های چولگی و کشیدگی جهت بررسی نرمال بودن توزیع آماری مشاهدات در متغیرهای تحقیق نشان می - دهد که مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای تحقیق در بازه (۲، -۲) قرار دارد، یعنی این که از لحاظ کجی متغیرهای تحقیق نرمال بوده و دارای توزیع متقارن می باشند و همچنین مقدار کشیدگی هم برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار دارد که این نشان می دهد توزیع متغیرهای تحقیق از کشیدگی نرمال برخوردار است بنابراین شاخص های چولگی و کشیدگی نشان دادند که متغیرهای تحقیق از لحاظ چولگی و کشیدگی در وضعیت نرمال قرار دارند.

جدول شماره ۲: شاخص های آمار توصیفی متغیرهای اصلی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
دین داری	۲/۵۶۷۹	۳۳۵۴۷	-۰/۷۳۷	۱/۱۴۲
سرمایه فرهنگی	۳/۶۵۸۲	۵۰۳۶۱	-۰/۲۲۳	۰/۰۷۱
سبک زندگی اسلامی	۳/۵۳۳۵	۳۸۶۰۴	-۰/۲۵۶	-۰/۸۸۰
شادکامی	۱/۷۰۶۲	۴۵۲۸۷	۰/۱۳۵	-۰/۳۳۱
سلامت اجتماعی	۳/۲۳۱۹	۳۴۶۸۱	۰/۳۵۱	-۰/۶۲۳
رضایت از زندگی	۳/۳۹۱۲	۷۳۲۸۹	-۰/۱۵۳	۰/۰۱۸

بیشترین میانگین مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی است که برابر با ۳/۶۵ بدست آمده است و کمترین میانگین نیز برابر با ۱/۷۰ است که برای متغیر شادکامی بدست آمده است. میانگین متغیرهای دین داری و شادکامی پایین تر از ۳ (حد متوسط) به دست آمده است اما این میزان برای متغیرهای دیگر بالاتر از حد متوسط به دست آمده است که نشان دهنده وضعیت مطلوب این متغیرها هستند.

۲-۷ - آزمون فرضیه های تحقیق:

۲-۷-۱ - آزمون فرضیه های مبتنی بر تفاوت متغیر ها

فرضیه شماره ۱: میزان بهره مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب هر یک از متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تحصیل و محل سکونت دانشجویان تفاوت معناداری دارد.

جدول شماره ۳: آزمون T تفاوت میزان بهره مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب متغیرهای جنسیت، وضعیت

تأهل، محل تحصیل و محل سکونت

متغیر	گروه ها	میانگین	انحراف معیار	فرض برابری واریانس ها	تفاوت میانگین ها	آماره تی	سطح معناداری
جنسیت	مرد	۳/۴۱۱۴۹	۰/۳۶۲۵۶	برابر	-۰/۱۶	-۳/۵۵	p<0/001
	زن	۳/۵۸۱۱	۰/۳۸۵۶۸				
وضعیت تأهل	مجرد	۳/۵۸۲۶	۰/۳۹۴۷۶	برابر	۰/۱۲	۸۴/۲	۰/۰۰۵
	متاهل	۳/۴۵۴۴	۰/۳۶۴۱۰				
محل تحصیل	فارسان	۳/۵۹۷۶	۰/۳۸۰۶۱	برابر	۰/۲۷	۵۸/۵	p<0/001
	سامان	۳/۳۲۶۸	۰/۳۲۸۴۳				
محل سکونت	شهر	۳/۵۱۰۸	۰/۳۹۳۸۰	برابر	۰/۷۰	-۵۸/۱	۰/۱۱
	روستا	۳/۵۸۴۱	۰/۳۶۶۰۱				

میانگین نمره سبک زندگی اسلامی زنان به طور معنی داری از مردان بالاتر بود ($P<0.001$). همچنین میانگین نمره دانشجویان متاهل از دانشجویان مجرد بالاتر بود که از نظر آماری معنی دار بود ($p=0.005$). در مورد متغیر محل تحصیل اختلاف معنی داری از نظر میزان بهره مندی از سبک زندگی اسلامی بین دانشجویان دو مرکز فارسان و سامان مشاهده شد به

طوری که دانشجویانی که در مرکز فارسان در حال تحصیل بودند میانگین نمره بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در مرکز سامان داشتند. در نهایت در خصوص تفاوت دانشجویان در بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب متغیر محل سکونت یافته‌ها نشان داد که اگرچه نمره بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی دانشجویان ساکن در روستا از دانشجویان ساکن در شهر بالاتر بود ولی از نظر آماری معنا دار نبود ($p > 0.05$).

فرضیه شماره ۲: میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب سطح تحصیلات دانشجویان تفاوت معناداری دارد.

جدول شماره ۴: آزمون F تفاوت بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی بر حسب سطح تحصیلات دانشجویان

وارینانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۰/۳۵	۰/۷۰
درون گروهی	۴۴/۵۷	۹۸	۰/۱۵		
کل	۴۴/۶۸	۳۰۰			

میزان F برابر با ۰/۳۵ بدست آمده است و از آنجا که سطح معناداری ۰/۷۰ و از مقدار آلفای ۰/۰۵ بیشتر به دست آمده است می‌توان نتیجه گرفت بر اساس سطح تحصیلات هیچ گونه تفاوتی از نظر میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی ما بین پاسخگویان وجود ندارد.

۷-۲-۲- آزمون فرضیه‌های مبتنی بر رابطه متغیرها

فرضیه شماره ۳: بین هر یک از متغیرهای سن، دین‌داری و سرمایه فرهنگی با بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول شماره ۵ رابطه بین متغیرهای سن، دین‌داری و سرمایه فرهنگی با متغیر سبک زندگی اسلامی ارائه شده است. بین سن و سبک زندگی اسلامی رابطه معنی داری مشاهده نشد. درحالی که بین سبک زندگی اسلامی با دین‌داری و سرمایه فرهنگی همبستگی مستقیم و معنی داری پیدا شد.

جدول شماره ۵: آزمون همبستگی بین هر یک از متغیرهای سن، دین‌داری، سرمایه فرهنگی و سبک زندگی

اسلامی

ردیف	متغیر	سبک زندگی اسلامی
۱	سن	$r: ۰/۰۸۴$ $p: ۰/۱۳۶$
۲	دین‌داری	$r: ۰/۳۲۶$ $p < 0/001$
۳	سرمایه فرهنگی	$r: ۰/۲۸۱$ $p < 0/001$

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین متغیر سن و سبک زندگی اسلامی به میزان ۰/۰۸ بدست آمده است که بسیار ضعیف و در حد عدم رابطه است. سطح معناداری برابر با ۰/۱۳ به دست آمده است که از ۰/۰۵ بیشتر به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان گفت هیچ رابطه معناداری بین دو متغیر سن و سبک زندگی اسلامی دانشجویان وجود ندارد. همچنین

ضریب همبستگی بین دو متغیر دین‌داری و سبک زندگی اسلامی به میزان $0/32$ به دست آمده است که شدتی ضعیف و جهت‌ی مستقیم را نشان می‌دهد یعنی با افزایش میزان دین‌داری بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی نیز بالا می‌رود و بالعکس و سطح معناداری نیز برابر با $0/00$ به دست آمده است که از $0/05$ کمتر بدست آمده است؛ بنابراین می‌توان گفت مابین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت در مورد رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی اسلامی جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری برابر با $0/00$ به دست آمده است که از $0/05$ کمتر است؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی به میزان $0/28$ به دست آمده است که شدتی ضعیف و جهت‌ی مستقیم را نشان می‌دهد یعنی با افزایش میزان سرمایه فرهنگی، بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی نیز بالا می‌رود.

فرضیه شماره ۴: بین بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی و هر یک از متغیرهای شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سبک زندگی اسلامی با متغیرهای شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی در جدول شماره ۶ ارائه شده است. نتایج نشان داد که بین سبک زندگی اسلامی با شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت زندگی همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد به این معنی که با افزایش میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی میزان شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی دانشجویان زیاد می‌شود.

جدول شماره ۶: آزمون همبستگی بین متغیر سبک زندگی اسلامی با هر یک از متغیرهای شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی

ردیف	متغیر	سبک زندگی اسلامی
۱	شادکامی	$r: 0/24$ $p < 0/001$
۲	سلامت اجتماعی	$r: 0/326$ $p < 0/001$
۳	رضایت از زندگی	$p: 0/281$ $p < 0/001$

در مورد رابطه سبک زندگی اسلامی و شادکامی جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری برابر با $0/00$ به دست آمده است که از $0/05$ کمتر است؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی به میزان $0/24$ به دست آمده است که شدتی ضعیف و جهت‌ی مستقیم را نشان می‌دهد یعنی با افزایش میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی، میزان شادکامی نیز بالا می‌رود. همچنین در مورد رابطه سبک زندگی اسلامی و سلامت اجتماعی، سطح معناداری برابر با $0/00$ به دست آمده است که از $0/05$ کمتر است؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی به میزان $0/57$ به دست آمده است که شدتی متوسط و جهت‌ی مستقیم را نشان می‌دهد یعنی با افزایش بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی، میزان سلامت اجتماعی نیز بالا می‌رود و در نهایت در مورد رابطه سبک زندگی اسلامی و رضایت از زندگی جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری برابر با $0/13$ به دست آمده است که از $0/05$ بیشتر است؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود ندارد و ضریب همبستگی به میزان $0/08$ به دست آمده است که بسیار ضعیف می‌باشد.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که می‌دانید نوع نگاه ما به جهان نیز در انتخاب سبک زندگی و آداب عمل تأثیر دارد. کسی که این دنیا را جای خوش‌گذرانی و لذت‌جویی می‌بیند، به گونه‌ای زندگی می‌کند و کسی که این دنیا را مزرعه آخرت و محل آزمایش می‌داند، زیست دیگری برای خود رقم می‌زند. لذا سبک زندگی دینی سبکی است که الگوهای مطرح در آن از ترجیحات دینی یا مبتنی بر مبانی دینی پدید آمده است. به لحاظ عینی ما می‌توانیم درون هر نوع فرهنگ مبتنی بر مذهب و مکتبی (اعم از شیعه، سنی، مسیحی، بودایی و...) این الگوها را دنبال کنیم و اتفاقاً این یکی از حوزه‌های مطالعاتی فعال در مورد سبک زندگی در مجامع علمی است (اصمی اصطهباناتی و گروسی، ۱۳۹۳).

با توجه به تحقیقات مورد اشاره در قسمت مقدمه تحقیق مشخص می‌شود که در ایران تحقیقات زیادی در زمینه سبک زندگی اسلامی دانشجویان انجام شده و در اکثر پژوهش‌ها پیامدهای بهره‌مندی از این نوع از سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته و کمتر به عوامل تأثیرگذار بر آن توجه شده است از جمله تحقیق کجباف و همکاران (۱۳۹۰)، همچنین پژوهش‌های انجام شده توسط طغیانی و همکاران (۱۳۹۲)، حسن زاده و علیزاده اقدم (۱۳۹۳)، صالحی و بیاتی (۱۳۹۴)، ترابی زیارتگاهی و ترابی زیارتگاهی (۱۳۹۵)، عربی و سلیمان پور (۱۳۹۶) و عرب زاده و همکاران (۱۳۹۶) را می‌توان نام برد که پژوهشگران در این تحقیقات به بررسی رابطه متغیر سبک زندگی اسلامی و متغیرهای شادکامی، رضایت از زندگی، نگرش‌های ناکارآمد، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و هوش معنوی پرداخته‌اند و تنها در تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی اسلامی توجه شده است. لذا با الگوگیری از این تحقیقات، در تحقیق حاضر هم عوامل مؤثر بر بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، محل تحصیل، محل سکونت، میزان دین‌داری و سرمایه فرهنگی و هم پیامدهای بهره‌مندی از آن شامل شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع در این تحقیق متغیر سبک زندگی اسلامی یک متغیر میانجی است که از یک سو به دلیل تأثیر پذیری از عوامل مؤثر بر آن یک متغیر وابسته بوده و از سوی دیگر به دلیل تأثیرگذاری بر پیامدهای آن یک متغیر مستقل می‌باشد.

هدف از تحقیق حاضر بررسی وضعیت میزان بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی و شناسایی عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مراکز فارس و سامان بود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که وضعیت سبک زندگی اسلامی دانشجویان متوسط به بالا می‌باشد و نشان دهنده سطح مطلوب بهره‌مندی دانشجویان از سبک زندگی اسلامی است. همچنین نتایج نشان داد که سبک زندگی اسلامی بین دانشجویان زن، متاهل و دانشگاه پیام نور فارس به طور معنی‌داری بالاتر است. همچنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین میزان دین‌داری و سرمایه فرهنگی با سبک زندگی اسلامی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این مشخص شد که متغیر بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی با سه متغیر شادکامی، سلامت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه مستقیمی دارد. در پایان باید اشاره شود که دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی محیط‌های یادگیری و رشدند و از نگاه دین اسلام، رسالت این گونه مراکز، انسان‌سازی و پرورش انسان‌های الهی است. طبیعتاً برای دست‌یابی به چنین هدفی، نیازمند انجام وظایف و مراعات دسته‌ای از آداب و اخلاقیات هستیم. دانشجو در محیط دانشگاه با شکل‌های متنوعی از تعاملات سروکار دارد. تعامل با کادر اداری و آموزشی، تعامل با دیگر دانشجویان و تعامل با اساتید، از جمله مهم تعاملات دانشجویی در محیط دانشگاه است. بنابر این، تعالی علمی و معنوی دانشجو را باید در نحوه زندگی او یا به عبارتی کلی‌تر در سبک زندگی‌اش بررسی کنیم. لذا باید پیوندی میان سبک زندگی و دستورات اسلام برقرار کنیم. اگر قرار است الگویی بدهیم، باید آن الگو در چارچوب تعالیم اسلامی باشد؛ چراکه هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی آن متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. جامعه کنونی ما متأسفانه نتوانسته است میان باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ارتباطی معنادار و وثیق ایجاد کند. سبک زندگی ما در بسیاری از موارد متأثر از آداب و رسوم غیر اسلامی است. لذا ضروری به

نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی، تمرکز جدی در سبک زندگی اسلامی، به‌ویژه بر نسل جوان و دانشگاهیان داشته باشند (اصمی اصطهباناتی و گروسی، ۱۳۹۳).

۹- پیشنهادات

به عنوان اولین پیشنهاد توصیه می‌شود که نهادهای تأثیرگذار بر دانشجویان همچون صدا و سیما، دستگاه‌های فرهنگی و به ویژه دانشگاه‌ها در بحث آموزش ابعاد سبک زندگی اسلامی تلاش کنند. پیشنهاد دیگر آن است که برنامه‌ریزان دینی نسبت به کاربردی کردن نگرش‌های دینی اقدام نمایند. در حوزه تحقیق و پژوهش این پیشنهاد مطرح می‌شود که عوامل دیگری که می‌تواند بر بهره‌مندی از سبک زندگی اسلامی مؤثر باشد از جمله تأثیر عوامل روان‌شناختی مورد تحقیق قرار گیرد.

منابع

۱. آرمند، محمدعلی و رسولی نژاد، سیدپویا، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی شهر یزد، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، زنجان.
۲. ابادزی، یوسف و چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی. (رویکردهای نو در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۳-۲۷.
۳. ابراهیمی، قربانعلی؛ جانعلی زاده چوب بستی، حیدر و بولانی، مهدی، (۱۳۹۶)، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۱۱۳-۱۳۸.
۴. استاجی، زهرا؛ اکبرزاده، رویا؛ تدین فر، موسی الرضا؛ رهنما، فاطمه؛ زردشت، رقیه و نجار، لادن، (۱۳۸۶)، بررسی سبک زندگی ساکنان سبزوار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۳، شماره ۳، ۱۳۴-۱۳۹.
۵. اصمی اصطهباناتی، مریم و گروسی، سعیده، (۱۳۹۳)، سبک زندگی دینی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴(۱۳)، ۵۱۵-۵۳۸.
۶. پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک، لینک: [http://apa-product/religion-questionnaire-2](http://apa-original.file4000.ir/apa-product/religion-questionnaire-2)
۷. پرسشنامه سبک زندگی اسلامی کاویانی، لینک: <http://apa-original.file4000.ir/apa-original/13813/html>
۸. پرسشنامه سرمایه فرهنگی بورديو، لینک: <https://kandoocn.com/index.php?newsid=2592032>
۹. ترابی زیارتگاه، علی و ترابی زیارتگاه، محمود، (۱۳۹۵)، رابطه سبک زندگی اسلامی و شادی در رضایت از زندگی دانش‌آموزان اصفهان، سومین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
۱۰. حسن‌زاده یامچی، داوود و علیزاده اقدم، محمدباقر، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین سبک زندگی (سلامت محور) و سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد هادی‌شهر در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، مطالعات جامعه‌شناسی، ۷(۲۴)، ۸۵-۹۸.
۱۱. خوشنویس، ناهید، (۱۳۸۹)، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه انجمن روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، ۹-۱۷.
۱۲. ربانی خوراسگانی، رسول و رستگار، یاسر، (۱۳۸۷)، جوان، سبک زندگی و مصرف، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴، ۴۴-۵۳.
۱۳. رسولی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، بررسی مولفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیونی، فصلنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۱، ۴۳-۹۳.
۱۴. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، صفحه ۴۹-۶۲.

۱۵. شریفی رنانی، مهدی و احمدی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، رابطه سبک زندگی اسلامی، شادکامی، رضایت از زندگی و افسردگی در زنان خانه دار شهر اصفهان، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی، شماره پیاپی ۳، صفحه ۸۵ - ۱۰۱.
۱۶. شوشتری زاده، شهناز، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه کننده به بیمارستانهای منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۱۷. صالحی، رضوان و بیاتی، مرضیه، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با شادی دانش آموزان، دومین همایش ملی روانشناسی و علوم تربیتی، شادگان.
۱۸. طغیانی، مجتبی؛ کجیاف، محمدباقر و بهرام پور، مهدی، (۱۳۹۲)، رابطه سبک زندگی اسلامی با نگرش های ناکارآمد در دانش آموزان، مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال چهاردهم، شماره ۴، صص ۳۶-۴۴.
۱۹. عربزاده، مهدی؛ نعیمی، قادر و پیرساقی، فهیمه، (۱۳۹۶)، پیش بینی رضایت از زندگی در دانشجویان براساس سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی، نشریه علمی رویش روان شناسی، (۱)۶، ۲۵-۴۴.
۲۰. عربی، سمیه و سلیمان پورعمران، محبوبه، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی بر ارتقای سرمایه اجتماعی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، (۱)۱۲، ۵۹-۸۰.
۲۱. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.
۲۲. فیست، جس و فیست، گرگوری، (۱۳۹۴)، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
۲۳. فیضی، مجتبی، (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۵، صص ۲۷ - ۴۲.
۲۴. کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. کجیاف، محمدباقر؛ سجادیان، پریناز، کاویانی و انوری، حسن، (۱۳۹۰)، رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، روان شناسی و دین، (۴)۱۶، ۶۱-۷۴.
۲۶. مقیاس رضایت از زندگی لینک: <http://www.ravansanji.ir/?9601250942>
۲۷. مقیاس سلامت اجتماعی کیبز، لینک: <https://porseshsanj.ir/product/social-health-questionnaire-2>
۲۸. مقیاس شادکامی آکسفورد: <http://www.ravansanji.ir/?9606161149>

29. Chani, David, (1999), Lifestyle, translated by Hassan Chavoshian, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
30. Fist, Jess and Fist, Gregory, (2015), Personality Theories, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, Ravan Publish.
31. Msn, Encarta Dic, www.Msn.com, (2004).
32. Oxford Advanced Lerner's Dic, (1987)
33. Webster Online, Dic, (1996).
34. Webster Online, Dic, (2004).